





سلام الله علیها  
دانشگاه الزهرا

دانشکده هنر  
گروه تجسمی  
رشته نقاشی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی تطبیقی ۷ رقعۀ از رقعۀ های معراج پیامبر (ص) مربوط به خمسه های نظامی - دوره صفویه -

استاد راهنما  
جناب آقای دکتر فرد دهکردی

استاد مشاور:  
جناب آقای دکتر حسامی

دانشجو  
سمیه روح اللهی

سال ۱۳۹۰

بررسی تطبیقی ۵ رقعہ از رقعہ های معراج پیامبر(ص)

مربوط به نسخ خمسہ نظامی

- دوره صفویہ-

## چکیده:

داستان معراج حضرت رسول<sup>(ص)</sup> از موضوعات مورد توجه هنرمندان نقاشی ایرانی است. همانطور که در ادبیات هم پرداخت به آن زیاد اتفاق افتاده است. خصوصاً در منظومه خمسه نظامی که در دوران صفوی جزء نسخ مورد علاقه دربار برای کتابت و مصور شدن بوده است. به همین دلیل است که در دوره صفوی رقعہ هایی که مربوط به معراج حضرت است بسیار دیده می شود.

در این متن، ابتدا به بررسی موضوع معراج و سپس دوره و حکومت صفویه و حامیان هنر در آن پرداخته شده و در فصل بعد مبانی فلسفی و حکمی هنر اسلامی-ایرانی توضیح داده شده است. سپس با انتخاب ۷ رقعہ مربوط به نسخه های خمسه های نظامی کار شده در سالهای ۹۱۱ تا ۹۸۵ ه.ق و سپس بررسی آن ها در چهار بخش: ترکیب بندی، رنگ، پیکره و عناصر تزئینی؛ تلاش شده است تا شیوه های بیانی و مسائل تاثیرگذار بر رقعہ ها بررسی شود.

تغییرات و تاثیر مکاتب بر روی هم، حمایت دربار، تاثیر تشیع و مبنای فکری مناسب، نهایتاً این فرصت را به نقاش ایرانی میدهد تا اوج هنر نگارگری ایرانی را در رقعہ های معراج ببیند.

**واژگان کلیدی:** نگارگری، معراج حضرت رسول(ص)، دوره صفویه، خمسه نظامی

## فهرست مطالب

### فصل اول : مقدمه

### فصل دوم : معراج پیا مبر<sup>(ص)</sup>

۱-۱- معنای معراج

۱-۲- معراج در فرهنگ دینی

۱-۳- معراج ؛ ادبیات فارسی و خمسه نظامی

### فصل سوم : کوتاه از صفویان

۱-۲- از طریقت سنی تا سیاست شیعی

۲-۲- ذهن خلاق هنرمند ؛ زیر سایه حمایت

دربار

۲-۳- تنوع مکاتب؛ مجال شیوه های نو

۲-۴- نسخ خمسه نظامی ؛ رقعہ های معراج

پیامبر<sup>(ص)</sup>

### فصل چهارم : نگارگری ایرانی، هنر سنتی

۱-۳- هنر سنتی، هنر مقدس، هنر دینی

۲-۳- هنر اسلامی، آری یا نه؟

۳-۳-عالم مثال، حکمت مصور شده در جهان اسلام

۳-۴-نگارگری، تصویر حکمت

۳-۵-میراث تمدن ها در هنر اسلامی-ایرانی

### فصل پنجم: تحلیلی بر ۷ رقعہ معراج حضرت رسول (ص)

۴-۱- آشنایی با ۷ رقعہ معراج حضرت رسول (ص)، کار شده در دوره

صفوی

۴-۱-۱- رقعہ شماره ۱

۴-۱-۲- رقعہ شماره ۲

۴-۱-۳- رقعہ شماره ۳

۴-۱-۴- رقعہ شماره ۴

۴-۱-۵- رقعہ شماره ۵

۴-۱-۶- رقعہ شماره ۶

۴-۱-۷- رقعہ شماره ۷

۴-۲- بررسی ترکیب بندی رقعہ های معراج

۴-۲-۱- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۱

۴-۲-۲- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۲

۴-۲-۳- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۳

۴-۲-۴- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۴

۴-۲-۵- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۵

۴-۲-۶- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۶

۴-۲-۷- ترکیب بندی در رقعہ شماره ۷

۴-۲-۸-نهایتا

#### ۴-۳- بررسی رنگ در رقعہ های معراج

۴-۳-۱- رنگ در رقعہ شماره ۱

۴-۳-۲- رنگ در رقعہ شماره ۲

۴-۳-۳- رنگ در رقعہ شماره ۳

۴-۳-۴- رنگ در رقعہ شماره ۴

۴-۳-۵- رنگ در رقعہ شماره ۵

۴-۳-۶- رنگ در رقعہ شماره ۶

۴-۳-۷- رنگ در رقعہ شماره ۷

۴-۳-۸-نهایتا

#### ۴-۴- بررسی طراحی پیکره در رقعہ های معراج

۴-۴-۱- پیکره در رقعہ شماره ۱

۴-۴-۲- پیکره در رقعہ شماره ۲

۴-۴-۳- پیکره در رقعہ شماره ۳

۴-۴-۴- پیکره در رقعہ شماره ۴

۴-۴-۵- پیکره در رقعہ شماره ۵

۴-۴-۶- پیکره در رقعہ شماره ۶

۴-۴-۷- پیکره در رقعہ شماره ۷

۴-۴-۸- نہایتا

#### ۴-۵- بررسی عناصر تزئینی در رقعہ های معراج

۴-۵-۱- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۱

۴-۵-۲- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۲

۴-۵-۳- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۳

۴-۵-۴- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۴

۴-۵-۵- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۵

۴-۵-۶- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۶

۴-۵-۷- عناصر تزئینی در رقعہ شماره ۷

۴-۵-۸- نہایتا



## مقدمه

معراج را باید سفر انسان کامل به سوی حقیقت برای کشف و درک آن بدانیم. معراج معجزه ای از معجزات پیامبر (ص) است که در قرآن دو بار و در دو سوره متفاوت به آن اشاره شده است، در سوره اسرا و در سوره نجم و سپس احادیث و بعدها تفاسیر مختلف ضمن پرداختن به آن؛ بر جوانب پیدا و پنهان آن تاکید کرده اند و از آن به عنوان بالاترین مرتبه روحانی انسان یاد کرده اند.

بعد عمیق معنوی این اعجاز در کنار اصل واقعه که خروج از عالم ملک و سیر تا مقام قرب الهی است و نیز دیدار پیامبر(ص) با انبیای مرسلین، فرشتگان مقرب و نیز بازدید از بهشت و جهنم و قانونمند شدن فرامین ویژه دینی، باعث توجه بسیار زیاد مسلمانان به این واقعه است.

با پرداختن به بحث معراج در تفاسیر و نیز سیره های نبوی آن هم به عنوان معجزه ای بزرگ که یادآور عظمت و تعالی انسان و مقام معنوی اوست، این معجزه کم کم وارد فضای ادبیات فارسی شد. در ابتدا متون تاریخی چون جوامع التواریخ، و سپس معراج نامه های مستقل به صورت نثر مانند معراج نامه بوعلی سینا، راوی این معجزه بودند و بعد ها آوردن این داستان در اشعار شاعران و منظومه ها رواج یافت و نحوه بیان، کم کم از روایت جزئیات حوادث به بیان زیبا و خیال انگیز شاعران تغییر یافت. اغلب شاعران برای نمایش عقیده و ارادت خود، پس از آوردن ابیاتی در توحید حضرت حق، اشعاری را راجع به پیامبر و در نعت ایشان و توصیف معراج می آوردند.

به این ترتیب در دوره صفوی، که مصور کردن کتاب های ادبی، خصوصا تغزلی و حماسی، بیشتر مورد توجه واقع شدند؛ ترسیم نگاره های معراج نیز، به سوی صورتی کلی و غالبا یکسان، پیش

رفت. در اغلب نگاره ها ، پیامبر<sup>(ص)</sup> و براق در آسمانی سراسر ابر و ستاره در میان جمعی از فرشتگان که آنها را دوره کرده اند ترسیم می شود و تلاش و همت نقاش، بر نمایش زیباتر همین صحنه است.

از میان آثار ادبی، خمسه نظامی از این حیث جایگاه ویژه دارد و مورد توجه سفارش دهندگان نسخ خطی این دوره است. نقاشی ایرانی هم به کمک می شتابد تا از این نسخه ها؛ آثاری به غایت زیبا بیافریند.

اصولا ارزش نسخه های خطی از نظر تزئینات و بیش از همه کیفیت نگاره های موجود در کتاب برآورد می شود. نقاشی به عنوان وسیله ای جهت تصویر گری در تزئین متن می باید وقایع مهم و شاخص متن را به نمایش گذارد. به این ترتیب معراج نگاری به صورت تک رقعته و در میان سایر صفحات نسخه های خمسه نظامی شکل می گیرد؛ خصوصا که شاعر بر این معجزه تاکید بسیاری دارد و معراج پیامبر<sup>(ص)</sup> را در هر پنج مثنوی اش توصیف می کند؛ که هر کدام از آنها تصویری عمیق از جایگاه و مقام پیامبر را نشان می دهد و هر یک در شمار شاهکارهای ادبیات فارسی به شمار می رود.

هنر ایرانی میکوشد این موضوع را در قالب و صورتی در خور ارائه دهد؛ مانند هر هنر دینی و معنا گرا فضایی بسازد، متفاوت با اطراف ما؛ و این هدف با بهره گیری کامل از ایده «عالم مثال» که قبل و بعد از اسلام اندیشه مسلط بر هنر ماست، ممکن میشود. «عالم مثال» همان فضا و عالمی است که هنر اسلامی، در حال نمودن آن است. در واقع عالم مثال یا عالم ملکوت، عالمی است که از ماده مجرد است اما آثار آن را در خود دارد، عالمی است با ماهیت نوری که در آن چیزها صورت دارند اما جسم ندارند.

به همین جهت است که فرم و رنگ و چشم انداز در نقاشی ایرانی واقع گرا نیست؛ بلکه دنیای دیگری را می سازد. نقاشی ایرانی با همین اندیشه است که لحظه و زمان دنیایی را نشان نمی دهد و دائما تصویر روزی پر نور و فضایی همیشه سبز و ماندگار را نشان می دهد.



تا آن جا که من می دانم؛ درباره این موضوع غیر از متن های نسبتا کوتاه در کتاب ها و توضیح مختصری راجع به یکی از نگاره ها؛ افرادی مثل آیدین آغداشلو و مهدی حسینی و بهنام کامرانی و هلنا شین دشت گل و... به صورت مقالاتی راجع به یکی از رقعہ های معراج یا رمز شناسی آن کار کرده اند. در پایان نامه ها در دانشگاه هنر؛ راجع به تصاویر قصص الانبیا در پایان نامه دکتری ابوتراب احمد پناه راجع به این موضوع هم قطعاتی کار شده است. در دانشگاه تهران علی اصغر هاشمی به بررسی فرشته در نقاشی ایرانی پرداخته که به ۳ رقعہ معراج هم توجه کرده است. در همین موضوع سمیه شانجانی هم کار کرده است. بهزاد محبی نگاره های صفوی با موضوع پیامبران الهی را بررسی کرده است و الهام جاوید پیامبر و اهل بیت - تا قرن نهم - را که تا حدی نزدیکی هایی بین موضوعات آن ها با این موضوع وجود دارد. لاله شمسی در دانشگاه تربیت مدرس هم به نسخ مصور معراج نامه پرداخته است. راجع به کلیت نقاشی ایرانی و نور و رنگ و سایر عناصر و ویژگی های آن کار های زیادی شده است.



در این پژوهش تلاش شده تا با نگاهی کوتاه بر معراج و یافتن یک دیدگاه کلی نسبت به حادثه حکمت هنر اسلامی و نیز دوره صفوی، به بررسی ۷ رقعۀ ار نگاره های ایرانی با موضوع معراج و کار شده در دوره صفوی پرداخته شود.

به همین جهت در فصل دوم به بررسی موضوع معراج پرداخته شده است؛ ابتدا معانی مختلف معراج و سپس سابقه تاریخی آن در ادیان مختلف بررسی شده و بعد به حادثه معراج پیامبر اسلام (ص) توجه شده است. پس از بیان ریشه های داستان در قرآن و احادیث، بیان حادثه در ادبیات و خصوصا خمسه نظامی - در تک تک مثنوی های آن - بررسی شده و نهایتا عناصر تصویری در کلام نظامی را تا حدی روشن شده است.

در فصل سوم بررسی به زمان اجرای رقعۀ ها معطوف شده است که دوره صفوی است. شروع این دوره و چگونگی شکل گیری حکومت و اندیشه دینی صفویان که تاثیر بزرگی در فرهنگ و هنر ایران داشته اند در این فصل بررسی شده است. برای روشن شدن دلایل و ریشه های اندیشه تشیع و نیز نظامی گری صفویه؛ ناچار به سال ها قبل از آغاز این دوران هم اشاره ای شده است.

به هر حال این دوره بواسطه آرامش نسبی و حمایت از هنر، دوره ای طلایی در تاریخ ایران است. برای روشن شدن ابعاد این حمایت و نیز تاثیر آن بر هنر نگارگری، راجع به حامیان هنر این دوره و

نیز فعالیت هایشان نکاتی گفته شده است و سر انجام جدولی از آثار خمسه نظامی کار شده در این دوره آورده شده که به کمک مطالب کتاب های «مکتب تبریز و قزوین- مشهد» و «سیر تحول در نگارگری ایرانی» و نیز یافتن تعدادی رقعه و نسخه در فضای مجازی ایجاد شده و حتما ناقص است اما می تواند شروعی برای این نوع آمار سازی ها باشد.

درباره نقاشی ایرانی؛ معتقدم که هنرمندان با نگاهی به اندیشه حکما و فلاسفه و البته به کمک میراث تمدنهای دیگر سنتی، توانسته اند این دنیای نو و فضای تازه را ایجاد کنند و البته با مطالعه راجع به این بحث؛ این موضوع روشن می شود. به همین جهت فصل چهارم به بررسی این ارتباط می پردازد و پس از توضیحات ابتدایی راجع به هنر سنتی و هنر مقدس؛ به تعریف عالم مثال که نزدیکترین فضا به فضای نقاشی ایرانی است می رسد، و پس از آن با آوردن توضیحاتی تا حدی نشان می دهد که هنرمند ایرانی تا چه حد به نمایش فضای عالم مثال در نقاشی توجه داشته است و این توجه به چه شکل بروز یافته است. در نهایت توضیح مختصری راجع به هنر هایی که هنر اسلامی از میراث آن ها سیراب شده؛ پرداخته شده است.

فصل پنجم فصل نهایی کار است. ابتدا با توضیحاتی ۷ رقعه معراج کار شده در دوره صفوی که سعی شده چیدمان آن ها بر اساس تاریخ انجامشان باشد معرفی می شوند. یکی از مشکلات کار در این زمینه، نبود تصاویر مناسب با کیفیت مطلوب است. اکثر این نگاره ها را در فضای مجازی هم به دشواری می توان یافت؛ اما هم کیفیت آثار پائین است و هم وجود یک رقعه در چندین حالت رنگی اتفاق می افتد، که تشخیص درست رنگ را خدشه دار می کند و هم اطلاعات ناقصی را از تاریخ و

ابعاد و ویژگی های نسخه و محل نگه داری آن میدهد که گهگاه با هم تناقض هم دارند. موزه های صاحب رقعہ ها هم -اگر مشخص باشند- پاسخ مناسبی برای ارائه تصویر با کیفیت ندارند!

به هر حال این رقعہ ها زیر چهار عنوان ترکیب بندی، رنگ، پیکره و عناصر تزئینی بررسی می شوند. در ابتدای هر بخش توضیحاتی راجع به عنوان بخش داده می شود و سپس رقعہ ها به ترتیب در محدوده عنوان بخش بررسی می شوند. در این بخش بار اصلی کار بر دوش تصاویر است و البته توصیف رقعہ که تا حدی گوشه و کنار آثار را بررسی می کند؛ هم از جهت ویژگی هایی که در همه مشترک است و هم از جهت ویژگی های خاص رقعہ. سعی شده تا برای همه رقعہ ها در توضیحات روند یکسانی طی شود. در نهایت با چیدن هر هفت رقعہ در یک صفحه؛ تلاش شده تا فرصت بهتری برای بررسی هم زمان آن ها ایجاد شود.

بررسی پیوستگی صورت و محتوا در نقاشی ایرانی خصوصا در مضامین مذهبی؛ تجزیه و تحلیل آثار برای درک عوامل تاثیر گذار در بیان موضوع؛ و نیز بررسی این نکته که چه بیان و فضایی بیشتر با مضمون خاص معراج -و کلا مفاهیم مذهبی- هم خوانی دارد در این پایان نامه مورد توجه بوده است.

## ● پرسش‌ها و فرضیات پژوهش:

این سوال برای من مطرح بود که چه عواملی باعث رشد و شکوفایی هنر ایران در دوره صفوی و تعدد مکاتب و تنوع هنر آن بوده است. و چرا در این دوره با تعداد زیادی رقعہ راجع به معراج مواجه می‌شویم؟ و مهمتر این که آیا این رقعہ‌ها واقعا بیان مناسبی برای این موضوع یافته‌اند یا خیر؟

این احتمال بود که حمایت‌های مناسب مالی دربار موثر بوده باشد و اینکه اکثر شاهزادگان به شیوه‌ای تربیت می‌شدند که به هنر دل‌بسته و علاقه‌مند بودند و این موجب توجه به هنر می‌شد. تغییر و تحولات پایتخت هم در هنر این دوران می‌توانسته موثر باشد.

از طرفی در این دوران با دین و مذهب جدیدی رو به رو هستیم که آن هم می‌توانست تاثیر گذار باشد. چه در انتخاب موضوع و چه در نحوه پرداخت به آن. اینکه در این دوران با تعداد زیادی از رقعہ‌ها با موضوعات مذهبی رو به رو می‌شویم هم می‌توانست تاثیر متون انتخابی باشد و هم تاثیر دین جدید.

معراج یک موضوع کاملا دینی است و بنابر این انتظار می‌رود که بیانی خاص بیابد؛ آیا این اتفاق افتاده بود و حضور نماد‌های خاص را باید بر این اساس پذیرفت؟ و آیا امکان دارد که با بررسی این رقعہ‌ها بتوانیم چیزی به عنوان «بهترین رقعہ» را با دلایل مناسب معرفی کنیم؟

## فصل دوم: معراج پیا مبر (ص)

۱ - ۱ - معنای معراج

۱ - ۴ - معراج در فرهنگ دینی

۱ - ۴ - معراج؛ ادبیات فارسی و خمسه نظامی



## ۱ - معنای معراج

اگر چه مسئله معراج در معنای عام آن، برای پیامبران و اولیای خاص خدا بارها روی داده و مختص پیامبر اسلام نیست؛ اما این کلمه به طور خاص برای پرواز شبانه حضرت محمد<sup>(ص)</sup> به کار می رود و اصطلاحی ویژه این حادثه شده است؛ در واقع «معراج» یک باور دینی و اعتقادی مسلمانان است، که مورد توجه بسیار واقع شده؛ چرا که نمایش نهایت و کمال معنوی «انسان کامل» است.

### معراج در لغت:

در فرهنگ فارسی معین معراج (me'raj) را آنچه بوسیله آن بتوان بالا رفت ، پلکان و نردبان و با جمع معارج و معاریج تعریف کرده اند و در فرهنگ لغت دهخدا به جز نردبان، جای بالا رفتن و بلند گردیدن هم اضافه شده است.

تعریف دقیق تر کلمه را می توان در « درة التاج و حقیقة المعراج » محمدی هیدجی یافت. به زعم وی کلمه معراج به چیزی اطلاق می شود که به حالت صعود و عروج است و در حالت دوم ممکن است به عنوان اسم زمان به کار رفته باشد و به زمان عروج اشاره داشته باشد و در حالت سوم ممکن است مصدر میمی شود، یعنی عمل عروج و صعود را بیان کند.

علامه ابن منظور در خصوص واژه عرج چنین آورده است «عرج ، یعرج، عروجا، یعنی بالارفت.»(ابن منظور،؟، ۱۲۰) عروج به معنای بالا رفتن و برفراز آمدن است.

## معنای عام معراج:

اگر معراج را سفر روح یا جسم به سوی حقیقت برای کشف و درک آن بدانیم، در زندگی بسیاری از پیامبران و انسان های بزرگ، به چنین سفری بر می خوریم<sup>(۱)</sup> که البته برای هر کسی در حد و اندازه اوست. پیامبرانی چون ادريس، ابراهيم، موسی، و عیسی و ... نیز در زندگی خود با چنین سفر هایی روبه رو بودند.

در مسیحیت اعتقاد به سفر آسمانی پولس رسول (Polus) پذیرفته شده است و در میان یهودیان نیز همین امر راجع به اشعیا نبی مورد تائید قرار گرفته است.

سفر به جهان دیگر و خبر آوردن از آن در ادبیات ایران پیش از اسلام نیز سابقه داشته که داستان های آن راجع به سفر ویشتاسب، کرتیر<sup>(۲)</sup> و ارداویراف<sup>(۳)</sup> به جهان دیگر می باشد .

در ادبیات پس از اسلام نیز میان اهل تصوف چنین سفرهایی گزارش شده است - که مشهورترین کسی که معراج خود را شبیه معراج حضرت رسول دانسته، بایزید بسطامی است. -

علامه طباطبائی در این رابطه می فرمایند: «معراج نه تنها درباره پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاده است، بلکه برای بسیاری از پیامبران قبل از ایشان نیز روی داده است . از آن جمله اینکه خداوند حضرت موسی بن عمران علیه السلام را با جسد و روحش تا طور سینا می برد . در قرآن در خصوص آن فرموده است : «ما كنت بجانب طور : تو در جانب طور نبودی» و نیز ابراهیم را تا آسمان دنیا برده و در قرآن فرموده : «و كذالك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض : ما اینجین به ابراهیم نشان دادیم آسمانها و زمین را» و عیسی را تا آسمان چهارم برده و در قرآن فرموده « ورفعناه مكانا علیا :

او را تا جایی بلند عروج دادیم» و درباره رسول خدا (ص) فرموده: «مکان قاب قوسین : پس تا اندازه قاب دو قوسی رسید.» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ۵۲)

در کتاب آیت الله مکارم شیرازی آمده است که مسیحیان به معراج حضرت مسیح به شرح زیر معتقدند:

« درانجیل مرقس (Marqos)، لوقا (lucan) و یوحنا (John) چنین آمده است : «در مورد عیسی مسیح: چیز غریبی اتفاق افتاده، زیرا پس از این که مرده بود و دفن شده بود ! مطابق پیشگویی خودش در روز یکشنبه که سومین روز پس از مصلوب شدن و دفنش بود، از قبر بیرون آمد بر شاگردانش ظاهر شد، و در مدت چهل روز اشخاص زیادی او را زنده دیده و با او صحبت کردند . آنگاه در حضور شاگردانش به آسمان صعود کرد. او اکنون در آنجا در نزد خدای پدر زیست می کند.»

همچنین در انجیل درباره سفر شگفت انگیز یعقوب به بین النهرین چنین آمده است:  
«هنگامی که یعقوب بعد از غروب خورشید استراحت می کرد. در خواب نردبانی را دید که پاهایش در زمین و انتهایش در بهشت بود و فرشتگانی که بالا و پایین می رفتند. خداوند با یعقوب سخن گفت و وعده می داد که از او محافظت نموده و نسل های بعدی او را بیامرزد.»

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۰)

اما از نظر مسلمین بالاترین درجه عروج جسمانی و روحانی، متعلق به پیامبر اسلام است که خاتم پیامبران است و سفرش کاملترین سفر. محققان چنین معراجی را از خواص ختم نبوت می دانند.  
«یگانه معجزه ای که خاتم الانبیا به آن اختصاص دارد که پیامبران پیشین را از آن بهره ای نیست معراج است به تن و بیداری» (مایل هروی؛ ۱۳۶۶؛ ۵۱) چرا که این معجزه بزرگ هم در بیداری و به صورت سفر جسمانی رخ داده است و هم اینکه در بالاترین درجه و اوج قرب اتفاق افتاده و نیز پس

از آن پیامبر<sup>(ص)</sup> به زمین بازگشته اند. به این جهت لفظ «معراج» در اصطلاح، و به صورت خاص به سفر پیامبر اسلام به عرش اطلاق می شود.